



زبان فارسی

زبان فارسی یا پارسی زبان تکلم عده‌ای از ایرانیان و عده ای از ساکنان آسیای مرکزی است. خط این زبان همان خط عربی است با اضافه چهار حرف پچگز. بین خط عربی و فارسی تفاوت های دیگری نیز وجود دارد. زبان فارسی دارای ادبیات غنایی قوی و گنجینه بزرگ شعر است. زبان شیرین و دیرین فارسی چه در قالب فارسی باستان و کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های خطوط میخی و چه در قالب فارسی میانه و سنگ نوشته‌های خطوط پهلوی و چه در قالب فارسی دری و خط فارسی که دارای فرهنگ غنی و پرپار ادبیات بعد از اسلام است، همه جا بهترین سرمایه ملی و هویت ما ایرانیان است. این امانت گرانبها میراثی است که سینه به سینه و نسل به نسل به دست ما رسیده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - ویژگی خاص انسان
 - ۱.۱ - زبان از نگاه زبان‌شناسان
 - ۱.۲ - ویژگی دیگر انسان
 - ۱.۳ - رابطه فرهنگ و زبان
- ۲ - قند پارسی
 - ۲.۱ - هویت ایرانیان در ایران و جهان
 - ۲.۲ - رابطه عرفان و زبان فارسی
 - ۲.۳ - مقاومت در برابر هجمه‌ها
 - ۲.۴ - حفظ فرهنگ با زبان فارسی
 - ۲.۵ - درک اسلام با زبان فارسی
- ۳ - آسیب‌های فراروی زبان فارسی
- ۴ - جایگاه زبان فارسی
- ۵ - یکی از رسالت‌های زبان فارسی
- ۶ - سوتیترها
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

ویژگی خاص انسان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان نسبت به حیوان، زبان و توانایی سخنگویی اوست؛ به گونه‌ای که از دوران یونان باستان، فلاسفه، انسان را به «حیوان ناطق» تعریف کرده‌اند. (البته بسیاری، ناطق را به معنای متفکر گفته‌اند، ولی در ادامه مقاله روشن خواهد شد که سخنگویی و تفکر رابطه‌ای نزدیک دارند) گرچه استفاده از صداها برای انتقال مفاهیم به شکل بسیار ساده در حیوانات هم وجود دارد، ولی آنچه ویژه انسان است کاربرد وسیع الفاظ قراردادی برای انتقال مفاهیم است به همین جهت بسیاری از زیست‌شناسان بر داروین که چنین تفاوت فاحشی بین انسان و حیوان را نادیده گرفته، خرده گرفته‌اند.^[۱]

← زبان از نگاه زبان‌شناسان

از دیدگاه زبان‌شناسان معاصر، زبان یک امر صرفاً قراردادی نمی‌باشد، بلکه ارتباط وثیقی با اندیشه و تفکر دارد. مولر می‌گوید: «زبان و اندیشه، تفکیک ناپذیرند و بنابراین بیماری زبان، بیماری فکر هم هست.»^[۲] هومبولت نیز می‌گوید: «تفاوت میان زبان‌های گوناگون، تفاوت در آواها و نشانه‌ها نیست، بلکه تفاوت در جهان بینی هاست.»^[۳] به طور کلی باید گفت زبان یک مسئله چند وجهی است که بررسی آن با رشته‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، منطق، زبان‌شناسی و... ارتباط پیدا می‌کند.^[۴]

← ویژگی دیگر انسان

از سوی دیگر به نظر بسیاری از انسان‌شناسان جدید ویژگی مهم انسان، فرهنگی بودن اوست. انسان تنها گونه جانوری است که فرهنگ دارد. نکته قابل توجه این است که مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین ارکان هر فرهنگی، زبان است.^[۵]

← رابطه فرهنگ و زبان

به دلیل همین رابطه نزدیک زبان و فرهنگ است که مقام معظم رهبری فرهنگ جامعه را اساس هویت آن جامعه معرفی می‌کنند.^[۶] و زبان را به عنوان عامل مهم هویت ملی معرفی کرده و می‌فرماید: «هویت ملی ما به زبان و خط ماست»^[۷] یکی از ارکان مهم هویت و استقلال هر کشوری استقلال فرهنگی است و

یکی از مهم‌ترین ابزار استقلال فرهنگی، زبان است. بنابراین بر هر فرد ایرانی که نسبت به هویت ملی و فرهنگی خود احساس مسئولیت می‌کند لازم است زبان فارسی را پاس دارد. به همین دلیل، مقام معظم رهبری در دیدار با مدیران مطبوعاتی کشور (۱۳/۱۲/۷۵) بر لزوم کمک دولتی به مطبوعاتی که در حوزه ترویج زبان و ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند حتی اگر این مطبوعات نسبت به نظام، بی تفاوت باشند تأکید می‌ورزند. بدیهی است که استادان معارف اسلامی که با تمامی دانشجویان در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف ارتباط دارند و بخش وسیعی از دروس عمومی را ارائه می‌دهند می‌توانند نقش ویژه‌ای در این جهت داشته باشند. استفاده از واژه‌های اصیل، به کارگیری ادبیات تمثیلی و استفاده از اشعار و داستان‌های غنی زبان فارسی علاوه بر جذابیت و تاثیرگذاری بیشتر این دروس، می‌تواند ابزار مهمی برای پاسداری از زبان فارسی باشد.

در این مقاله سعی شده معرفی زبان فارسی، جایگاه ملی و بین‌المللی آن، نقش آن در هویت دینی و ملی ایرانیان و ضرورت حفظ و نگهداری آن مورد توجه قرار گیرد.

قند پارسی

زبان شیرین و دیرین فارسی چه در قالب فارسی باستان و کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های خطوط میخی و چه در قالب فارسی میانه و سنگ نوشته‌های خطوط پهلوی و چه در قالب فارسی دری و خط فارسی که دارای فرهنگ غنی و پر بار ادبیات بعد از اسلام است، همه جا بهترین سرمایه ملی و هویت ما ایرانیان است. این امانت گرانبهائی است که سینه به سینه و نسل به نسل به دست ما رسیده است؛ همین گوهر گرانسنگ است که فردوسی می‌گوید عجم را با آن بها داده و قدر و قیمت بخشیده است. بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

← هویت ایرانیان در ایران و جهان

زبان فارسی سامان بخش هویت ما ایرانیان در ایران و جهان است و باید همه ما در حفظ و مراقبت و سالم نگاهداشتن آن به هیچ وجه کوتاهی نکنیم. زبان پرفرقت، شیرین و رسای فارسی توانسته است بخش عظیمی از سرزمین‌های جهان را تحت سیطره معنوی خود قرار دهد و برای ملت‌ها، فرهنگ و دین و معرفت به ارمغان آورد. به همین دلیل هر کس در هر جای دنیا که به معارف دینی و اسلامی علاقمند است باید برای زبان فارسی ارج و مرتبه خاص قائل شود.

زبان فارسی که زبان دوم جهان اسلام است (در شبه قاره هند زبان اول اسلام است) می‌تواند یکی از بهترین رسانه‌های تمدن اسلامی در جهان باشد.

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود
شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود^[۸]

← رابطه عرفان و زبان فارسی

زبان فارسی به واسطه غنای ادبیاتش در دل بلند مفاهیم عرفانی و فرهنگی و هنری امکان گفتگوی گسترده و مباحثات و مفاوضات علمی، ادبی و تاریخی وسیعی را برای فارسی‌زبانان فراهم آورده است. و دریغ است که این سرمایه ارزشمند دستخوش تند باد هجمه استعمارگران و دشمنان آگاه و دوستان ساده لوح ناآگاه گردد. چنانکه ناصر خسرو فیادینی گفته است:

من آنم که در پای خوکان نریزم
مر این قیمتی در لفظ دری را

← مقاومت در برابر هجمه‌ها

این میراث ارزنده - یعنی زبان شیرین فارسی - در درازنا و ژرفنای زندگی پرنشیب و فراز خود، چه برخوردهای سخت و رویدادهای دشواری مانند هجوم تورانیان، یونانیان، مغولان، تاتاران و دست اندازی و حمله بازی اروپائیان استعمارگر و حتی ایرانیان خودباخته را پشت سر نهاده و خم به ابرو نیاورده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در برابر بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند.»^[۹] ایشان همچنین می‌فرمایند: «علاوه بر دشمنان خارجی و خودباختگان فرنگی ماب در داخل، جریان تجزیه قومی که در سال‌های اخیر با طرح ریزی آمریکا و متحدانش در منطقه و غرب، در مناطقی از کشور فعال شده بود، یکی از دشمنان زبان ملی ایرانیان یعنی زبان فارسی است.»^[۱۰]

← حفظ فرهنگ با زبان فارسی

سودمندترین ابزار و قوی‌ترین حربه برای حفظ فرهنگ کهن و سرزمین نیاکان و ادب دیرینه و پارینه آبا و اجدادمان، زبان و فرهنگ ارزشمند فارسی است. برای حفظ و گسترش این گوهر پرقیمت باید از گویش‌های کهن که هم اکنون در بسیاری از شهرها و روستاهای گوشه و کنار ایران، زبان سخن و گفتار مردم است بهره جست و واژگان ناب و دست نخورده فارسی را برگزید و به فرهنگستان ایران زمین پیشکش کرد. ایران سرزمینی است پهناور که از هر گوشه اش گویشی ویژه شنیده می‌شود و زبان فارسی از همه آن گویش‌ها فراهم شده است. اگر زبان فارسی را به درختی کهنسال، تناور و ریشه دار تشبیه کنیم، زبان‌های محلی که در اقصی نقاط این سرزمین به کار می‌روند ریشه‌های فرعی این درخت هستند. ادیبان و صاحب‌نظران و فرهنگستان زبان فارسی باید بکوشند واژه‌های پرمعز و بلیغ را به صورتی عالمانه از این گویش‌های محلی و آثار ارزنده نیاکان ما استخراج کنند.

← درک اسلام با زبان فارسی

هر شرق شناسی که به طور جدی به مسائل شرق و غرب اسلامی می‌پردازد و نیز هر اسلام شناسی که نمی‌خواهد اطلاعات نادرست را مستند تحلیل‌های خود قرار دهد نیازمند دانستن عمیق زبان فارسی است تا بتواند از متون دست اول برای تحقیقات خود بهره گیرد و گرفتار غرض ورزی و تفسیرهای انحرافی نگردد. اساسا بدون توجه به زبان فارسی نمی‌توان درک وسیع و عمیقی از اسلام و اندیشه‌های اسلامی داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «در منطقه شرق، از شبه قاره تا چین هر جا که اسلام و فرهنگ اسلامی نفوذ کرده باشد، زبان فارسی نیز همراه آن بوده است. همراهی زبان فارسی با دین و معارف اسلامی و محتوای عرفانی آن یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در این منطقه از جهان محسوب می‌شود.»^[۱۱]

آسیب‌های فراروی زبان فارسی

مردم ایران، زبان فارسی را برای خوب فهمیدن و خوب سخن گفتن و خوب نوشتن می‌خواهند و از آن گویایی و پویایی می‌جویند و با واژه‌های دشوار و دیرفهم و گاهی نامفهوم بیگانه انس و الفتی ندارند و ذائقه آنها این کلمات نامانوس و ناهم‌رنگ را نمی‌پسندد و به قول آن جوانمرد رویگزراده میهن دوست سیستانی باید گفت: «سخنی که من اندر نیابم چرا باید گفتن»^[۱۲]

شایسته است ادیبان، شعرا و فرهنگ دوستان ایرانی هم جلوی نفوذ واژه‌های بیگانه را به زبان فارسی بگیرند و هم از گویش‌های درونی میهنمان مانند

گویش‌های آذری، کردی، لری، بلوچی، بختیاری، تالشی، تفرشی، خوزی، زاگرسی، سگری، سمنانی، کرمانی، گیلکی و... که سرشار از واژه‌های ناب و اصیل فارسی هستند بهره بگیرند و اگر چنین جنبش و پویش و کوششی برای پالایش و برابرت کردن زبان فارسی رخ دهد و هر کس که سوزی در دل و شوری در سر دارد دست به کار شود و زیر نظر فرهنگستان زبان فارسی، فعالیت خود را شروع کند، دیری نمی‌پاید که به جای لغات بیگانه واژه‌های ایرانی ناب جایگزین می‌شود و هر ایرانی در هر گوشه‌ای از این کهن مرز و بوم به نوبه خود هم خدمتی می‌کند و هم لذتی می‌برد و هم وحدت و یگانگی و همبستگی ایرانیان نسبت به یکدیگر بیشتر و بهتر می‌شود.

جایگاه زبان فارسی

در زمان ما علاقه و عشق به این زبان شیرین سبب شده است که شیستان آموزش آن همچنان روشنی و عطراگین و پرجوش و خروش و پرنشاط باشد (البته کافی نیست) و استادان و دانشجویان از این قند پارسی حدیث خوش آرزومندک حافظ را بشنوند و بخوانند و در کاخ بلندی که فردوسی بزرگ از **نظم پارسی** پی افکنده است به گردش در آیند و از جادوی سخن **نظامی**، مسحور و مسرور شوند و حکایات پرمایه و پرمعنا **مولوی** را از زبان نی وجود او **استماع** کنند و نصایح و کلمات و جملات حکمت آموز **سعدی** را که در بسط زمین گسترده است به گوش دل و جان بشنوند و با این زبان شیرین به سیر آفاق و انفس بپردازند و با **سیمرغ عطار** به طرف قله قاف **ادبیات فارسی** به پرواز در آیند و به جهانیان بگویند که فارسی شکر است.

واقعاً جای بسی خوشحالی و مباهات است که گاهی بزرگان غیرایرانی اشعار خود را به زبان فارسی می‌سرودند و افتخار هم می‌کردند. امپراطوران عثمانی که نه ایرانی بودند و نه شیعه، بلکه از ایرانیان شیعه هم بسیار ضربه خورده بودند با همه کوبه و دیدهای که داشتند گاهی به زبان فارسی شعر می‌گفته‌اند و **مجد اقبال لاهوری** پاکستانی که نه زادگاهش ایران است و نه زبان مادریش فارسی است افتخار می‌کند که به دلیل غنی و پربار بودن زبان فارسی اشعار خود را به فارسی سروده است و می‌فرماید:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما
حلقه گرد من زیندای روشن آب و گل
آتش در سینه دارم از نیاکان شما
می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
دیدم از روزن دیوار زندان شما

چه لذت بخش است وقتی **انسان** می‌شنود که بلندترین و گویاترین مفاهیم و مضامین شعر عرفانی فارسی در کشور **ترکیه**، در شهر قونیه و در **مقبره مولانا** با آن آداب و رسوم زیبا و عارفانه خوانده می‌شود.

در نی خلقت، خدا تا در دمید
نی ز نی نالان تر از ملا که دید؟

یارب این نی زنی چه دلکش می‌زند
نی زدن گفتند، آتش می‌زند زدن

آتش است این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد نیست باد

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «دیر زمانی نیست که ادبیات ایران از غرب استانبول تا شرق **آسیا** را در بر می‌گرفت. زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود و تا دورترین مناطق **هند** و چین، زبان مذهبی، اداری، ادبیات و **هنر** محسوب می‌شد.» [۱۲]

وقتی ما ایرانیان می‌بینیم که در کشورهای پهناور هند، **پاکستان** و **بنگلادش**، بزرگ‌ترین ادبا و نویسندگان و سخنوران افتخار می‌کنند که در گفتار و نوشتار خود از اشعار **سعدی** و **حافظ** استفاده می‌کنند وقتی در کتاب‌ها و نشریات می‌خوانیم و می‌بینیم که در کشورهای **افغانستان**، **تاجیکستان**، **ترکمنستان** و... به راحتی اشعار **رودکی** و **فردوسی** و... را می‌خوانند و لذت می‌برند و زبان فارسی را به آسانی می‌گویند و می‌نویسند بسی شادمان می‌شویم و بر خود می‌بالیم که دارای چنین زبان و فرهنگ ریشه دار و گرانبهایی هستیم. بی شک و بی هیچ گفتگو از گذشته دور تا امروز زبان فارسی زبان دوم جهان اسلام بوده و هست. **انقلاب اسلامی ایران** بار دیگر این زبان را که پیام‌گذار انقلاب هم شده است مورد توجه پژوهندگان و علاقه‌مندان به دریافت حقیقت این **انقلاب** و بررسی تحولات ایران ساخته است و از این رهگذر نیز زبان فارسی به عنوان زبان انقلابی **جهان اسلام** مطرح گردیده است.

یکی از رسالت‌های زبان فارسی

یکی از رسالت‌های مهم این زبان شیرین این است که هم وسیله ارتباط مفاهیم بین گویندگان فارسی است و هم هویت فرهنگی و تمدنی قوم ایرانی را مکتوب می‌کند و به آیندگان می‌سیارد و هم وسیله کامل و تمام عیار گفتگوی انسان با خویشتن خویش و راز و نیاز با معبود خویش می‌باشد. گفت و شنود و حدیث نفسی که شخص غایب از نظری را به حضور می‌طلبد و گفتگوی دو جانبه را سامان می‌دهد و از این طریق انسان در خلوت خاموش خویش با همه هم‌زمانان خود وارد صحبت می‌شود و می‌گوید و می‌نویسد و آثار زیبای بیجا ماندنی خلق می‌کند. شما کدام زبان زنده دنیا را می‌شناسید که از پس قرون متمادی بتوان گفته‌ها و سروده‌های نویسندگان و گویندگان گذشته را در حال حاضر درست خواند و درست فهمید و به خوبی از آنها استفاده کرد. اگر رودکی بیش از هزار سال پیش فرموده است:

هر که نامخت از گذشت روزگار
هیچ نامورد ز هیچ آموزگار

برای ما فارسی زبانان مثل این است که دیروز این **شعر** را سروده باشند و اگر فردوسی حدود هزار سال پیش به **خداوند** عرض کرده است

جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی

و اگر پیر هرات، **خواجه عبدالله انصاری** با **نثر زیبای مسجع** در چندین **قرن** پیش فرموده:

طالب دنیا رنجور است و طالب عقبی مزدور است و طالب مولا مسرور است.

و سعدی با همین **نثر** می‌فرماید: «بنده آنی که در بند آنی»

و حافظ به حضرت سبحان عرض می‌کند که:

به ولای تو که گر بنده خویشم خوانی

از سر خواجی کون و مکان برخیزم

و **نظامی گنجوی** در مناجات بی نظیر خود **خداوند** را چنین **سوگند** می‌دهد:

به داور داور فریاد خواهان

به یارب یارب صاحب کلاهان

به اشک دیده طفلان معصوم

به سوز سینه پیران محروم

و **هاتف اصفهانی** در **ترجیع بند** بی نظیر خود می‌گوید:

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نادیدنی است آن بینی

و **رضی الدین آرتیمانی** در **ساقی نامه** بی نظیر خود اینچنین با حضرت دوست به سخن می‌نشیند:

الهی به مستان میخانه ات

به عقل آفرینان دیوانه ات

و **سید مجد حسین شهریار** در زمان خودمان به **مولا علی (علیه‌السلام)** عرض می‌کند:

جز یک نسب که از توبه خود بسته، کیستم؟

من آنچنانکه **آل علی** هست، نیستم

اما مرا هم ای علی از خود مران که من

تا چشم داشتم به **حسینت** گریستم

هر فارسی زبانی الفبای **زبان مادری** خود را بداند به راحتی می‌فهمد این بزرگان چه گفته‌اند و این یکی از ویژگی‌های مهم زبان فارسی است. وقتی متفکر بزرگ و مرجعی عالیقدر و فقیهی گرانسنگ و فیلسوفی والا مقام و رهبری بی نظیر و مدبری بی بدیل مانند حضرت **امام خمینی** (رحمة‌الله‌علیه)

فارغ از هر درس و بحث و سیاستی، برای دل خویش و در راز و نیاز با معبود خویش با آن احاطه‌ای که به **زبان عربی** دارند، با زبان فارسی سره و **عرفان** پربار فارسی می‌گویند:

من به خال لب ای دوست گرفتار شدم
چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم
وقتی مفسری بزرگ و فیلسوفی والا مقام مانند مرحوم **علامه طباطبایی** که **هانری کربن**، دانشمند معروف آلمانی، افتخار می‌کند که در محضر ایشان زانو بزند و **تلمذ** کند و تفسیر المیزانش در همه جهان، نظیر و بدیلی ندارد فارغ از همه بحث‌های فلسفی و فقهی و... در عالم عرفان و در حال خوش خویش **غزل** حافظ را زمزمه می‌کند و اشک می‌ریزد:
سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
در این بازار اگر سودی است با **درویش** خرسند است
خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی
بعد **قلم** به دست می‌گیرد و زبان دل خود را با فارسی سره اینچنین روی کاغذ می‌آورد.

همی گویم و گفته‌ام بارها
بود **کیش** من مهر دلدارها
پرستش به مستی است در کیش مهر
بروند از این جرگه هشیارها
ملاحظه می‌فرمایید کسی که بلندترین و سنگین‌ترین مفاهیم قرآنی و فلسفی و فقهی را با زبان عربی به آسانی می‌نویسد و تدریس و تالیف می‌نماید وقتی می‌خواهد غزلیات عارفانه خویش را بسراید زبان شیرین فارسی را به خدمت می‌طلبد و می‌فرماید: غزلیاتی دارم که از ابتدا تا انتها جز کلمات و لغات فارسی ناب در آنها به کار نبرده‌ام که الحق کاری مشکل است و این موضوع علاقه و **عشق** استاد را به زبان فارسی می‌رساند. برای نمونه غزل زیر که ۱۲ بیت است و سه بیت آن تقدیم می‌شود:

گذر ز دانه و دام جهان و خویش مبار
که مرغ با پر آزاد می‌کند پرواز
ز من نیوش و میاسا در این دو روز جهان
که پیش روی تو راهی است سخت دور و دراز
به هرزه راه میبماید و خویش خسته مکن
که پیش پای تو باشد بسی نشیب و فراز

نتیجه اینکه دانشجویان عزیز، برادران و خواهران محترم هر رشته‌ای که هستید و هر تخصصی که دارید و خواهید داشت مبارکتان باشد، ولی سعی کنید زبان مادری را حفظ کنید (از هر شهر و دیاری هستید) که اصالت است و این اصالت را نباید فراموش کرد که مقدمه خودباختگی خواهد بود و انسان خودباخته توخالی است و ریشه در هیچ کجا ندارد و دزد زودتر به خانه خالی دست پیدا می‌کند. بهار می‌فرماید:

کسی که از پدران ننگ داشت ناخلف است

که مرد را شرف باب و مام، نام دهد
ز درس حکمت و آداب رفتگان مگسل
که این گستگی خواری مدام دهد

زبان شیرین فارسی را به عنوان یک **میراث** برقیمت نگهدارید و با آن درست بنویسید و درست بگویید و آثار نیاکان را درست بخوانید و انشاءالله در آینده در هر پست و مقامی که بودید برای خدمت به این مرز و بوم بکوشید و متوجه باشید که این میراث ارزنده آسان به دست نیامده تا آسان از دستش بدهیم و هر کس هر قدر هم زبان خارجی بداند اول باید به زبان مادری خویش مسلط باشد که اصل و ارزش و ریشه در زبان مادری است، یعنی همان قند پارسی که طوطیان هند را شکرشکن می‌سازد؛ یعنی همان فارسی دری که **حافظ** می‌فرماید:

گر عندلیب فصاحت فروشند ای حافظ
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

سوتیترها

یکی از ارکان مهم **هویت** و **استقلال** هر کشوری **استقلال فرهنگی** است و یکی از مهم‌ترین ابزار استقلال فرهنگی، زبان است. زبان فارسی سامان بخش هویت ما ایرانیان در ایران و جهان است و باید همه ما در حفظ و مراقبت و سالم نگاهداشتن آن به هیچ وجه کوتاهی نکنیم. زبان پرطرفیت، شیرین و رسای فارسی توانسته است بخش عظیمی از سرزمین‌های جهان را تحت سیطره معنوی خود قرار دهد و برای ملت‌ها، **فرهنگ** و **دین** و **معرفت** به ارمغان آورد.
مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در برابر بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند.»
هر شرق شناسی که به طور جدی به مسائل شرق و غرب اسلامی می‌پردازد و نیز هر اسلام شناسی که نمی‌خواهد اطلاعات نادرست را مستند تحلیل‌های خود قرار دهد نیازمند دانستن عمیق زبان فارسی است تا بتواند از متون دست اول برای تحقیقات خود بهره‌گیری و گرفتار غرض ورزی و تفسیرهای انحرافی نگردد.
یکی از رسالت‌های مهم این زبان شیرین این است که هم وسیله ارتباط مفاهیم بین گویندگان فارسی است و هم هویت فرهنگی و تمدنی قوم ایرانی را مکتوب می‌کند و به آیندگان می‌سپارد و هم وسیله کامل و تمام عیار گفتگوی انسان با خویشتن خویش و **راز** و **نیاز** با **معبود** خویش می‌باشد.

پانویس

- ↑ باربور، ایان، علم و دین، ص ۱۱۵.
- ↑ کاسیرر، ارنست، فلسفه فرهنگ، ترجمه بزرگ نادرزاد، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۶۰، ص ۱۵۷.
- ↑ موقن، یداله، زبان، اندیشه و فرهنگ، هرمس، ۱۳۷۸، ص ۱.
- ↑ باطنی، مجدرضا، پیرامون زبان و زبان شناسی، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱، ص ۹-۱۱.
- ↑ لسللی ۱. وایت، تکامل فرهنگ، ترجمه فریبرز مجیدی، ص ۲۱.
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳.
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/۸/۸۵.
- ↑ دیوان حافظ.
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارکنان صدا و سیما (۲۸/۲/۸۳).
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری (۳۰/۸/۸۶).
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (۲۹/۱۱/۷۰).
- ↑ بیانات مقام معظم رهبری، دیدار مسئولان، هنرمندان و نویسندگان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. (۲۳/۲/۷۷).

منبع

سایت حوزه نت، برگرفته از مقاله «هویت، زبان و فرهنگ».

